

عنوان مقاله:

ملاحظات بینامتنی در شعر و زندگی خاقانی و بهار

محل انتشار:

فصلنامه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 24، شماره 59 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 40

نویسندگان:

نعیم مراونه - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان اهواز

نصراله امامی - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

خلاصه مقاله:

یکی از مهم‌ترین رویکردهای ادبی در نقد ادبی جدید، بینامتنیت یا رویکرد میان‌متنی است؛ این اصطلاح را ژولیا کریستوا در حدود پنجاه سال قبل مطرح کرد و باب تازه‌ای برای تحلیل متون گشود. در بینامتنیت، بر خلاف دیدگاه‌های کلاسیک که متون را حاصل نبوغ شاعر یا کاتب می‌پنداشتند، بحث بر سر آن است که متون بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و از این رهگذر، آثار جدید خلق می‌شود. به عبارت دیگر، بن‌مایه جنبه‌هایی از آثار متاخر، آثار متقدم است و هر اثری می‌تواند ضمن تاثیرپذیری از آثار پیشین، بر آثار پسین نیز موثر باشد. در تحلیل‌های بینامتنی، هدف عمده، نشان دادن مشابهت‌های موجود در متون ادبی، اعم از نظم یا نثر است. در ادبیات و بویژه، متون شعری، می‌توان وجوه تشابه قابل توجهی در بین آثار ادبی یافت و نشان دادن این همانندی‌ها می‌تواند برای درک نکته‌های غامض یا روشن کردن ابعادی از این متون، سودمند باشد. نگاهی به اشعار ملک الشعراء بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰)، شاعر، ادیب و سبک‌شناس معاصر - با وجود ادعای خود او در داشتن سبکی نو- گویای آن است که بهار، در زمینه‌های تعبیرات و مضامین ... از سراینندگان کهن و بویژه خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۹۵ ه.ق)، متأثر بوده است. این مقاله کوششی است برای نشان دادن این تاثیرپذیری و نمایاندن همانندی‌های این دو سراینده و بازنمود توجه بهار به سراینده نامدار شروانی، و سرانجام آن که بهار تا چه میزان در بسیاری از مضامین شعری خود از خاقانی شروانی بهره گرفته است.

کلمات کلیدی:

خاقانی، بهار، بینامتنیت، ادب غنایی، مشابهت‌های شعری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2055696>

